

زیبایی شناسی سوگ توحیدی

روح الله عابدی جزئی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲

چکیده

سوگ، احساسی ترین واکنشی است که انسان در وقایع مرگ بار یا غمناک از خود نشان می دهد. سوگ در ادیان توحیدی برخلاف منشأ احساسی، دارای اهداف معقول در مسیر الهی است. زیبایی شناسی، در واقعه سوگ توحیدی تحلیلی هنرمندانه ارائه می دهد که قدمت آن به بیان مصیبت امام حسین علیه السلام در شروع تاریخ بشری برای حضرت آدم علیه السلام می رسد. سوگ توحیدی در سیره پیامبران به عنوان یکی از ابزارهای تبلیغی در رسالت الهی اهمیت یافته است اما در ادیان غیر توحیدی سوگ به بستر اساطیر افتاده و جایگاه غنی خود را از دست داده است. **کلیدواژه ها:** ادیان توحیدی، سوگ، زیبایی شناسی، گریه.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد مشاوره اسلامی، موسسه آموزش عالی حوزوی علامه مجلسی (ره) وابسته به دفتر تبلیغات

احساس از جمله ودایع الهی است که خداوند آن را برای درک و لذت پدیده‌های هستی یا بروز انعکاس برای تخلیه واکنش‌ها و هیجانات درونی به انسان عنایت فرموده است. سوگ برآیند احساسی واکنش غموارگی است که فرد حین وجدان حزن در وجود خود سعی می‌کند با گرایش به سوگ و ساختار شکل‌مند آن به تخلیه روانی خود جهت یافتن آرامش کمک کند. این واکنش طبیعی در همه جوامع و در اشکال مختلف دیده شده لیکن در مسیر توحیدی‌اش به جایگاه عبادت و تقرب ایمانی مبدل می‌شود. مهم‌ترین سوگ جهان بشری در مظلومیت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام روایت شده که همه تاریخ عالم و فرایندهای وابسته به آن را به خود اختصاص داده است. جایگاه توحیدی این سوگ به گونه‌ای است که از ابتدای آفرینش تا ظهور منجی و حتی روز داوری، این مصیبت همواره تازگی خود را حفظ می‌کند. سوگ در تنوع اقوام و ادیان؛ اشکال ظاهری خاص خود را یافته و با دقت در ظرائف زیبایی شناسی آن می‌توان به عمق تاثیر و بروز واکنش آن جامعه نسبت به سوگ پی برد. در سوگ‌های فردی که دارای مخاطب کمی است درک زیبایی شناسی در حد ظهور حالات شخصی بوده و بیانگر روحیات خاص آن محدوده فکری یا فرهنگی است اما در سوگ‌هایی که ابعاد و گستره‌اش تمام جامعه یا جوامع را نیز در برمی‌گیرد، سوگ نشان از عمق تاثیرگذاری آن احساس و درک استحقاق و همدردی با آن واقعه را بیان می‌دارد. سوگ‌های اجتماعی ماندگار معمولاً به سنت تبدیل شده و این سنت با عقاید و احساسات آن جامعه درمی‌آمیزد.

پیشینه پژوهش

یکی از اصلی‌ترین زمان‌ها برای ریشه‌یابی تاریخی نگاری سوگ حکومتی، زمان صفویه است. فروغی (۱۳۸۲) در مقاله «کارکرد مراسم سوگواری عاشورا در رسمی شدن مذهب شیعه در زمان صفویه» از نگاه مورخان و مستشرقان به جایگاه سوگ عاشورایی در حکومت صفویه اشاره کرده و نتیجه می‌گیرد سوگواری عاشورا به تبیین و ترویج تشیع



کمک نموده و باعث عظمت یافتن آن شده است. مطهری و توکلیان (۱۳۹۳) در مقاله «سوغ‌واری در سیره معصومان علیهم‌السلام» به تبیین مفاهیم و واژه‌های عزاداری و تاریخ‌روایی آن پرداخته و روایاتی پیرامون جنبه‌های فردی و اجتماعی عزاداری آورده‌اند. این پژوهش سعی کرده با داده‌های کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی و با رویکرد توصیفی به مساله زیبایی‌شناسی سوگ توحیدی بپردازد.

تعریف سوگ

سوگواری مجموعه رفتارهای حزن‌آمیز طبیعی و غیرا اختیاری خویشان و هم‌اجتماعان در مرگ یک شخص یا آیین‌هایی با قصد کاستن از عواقب حاصل از ضایعه فقدان و بهبود روابط خدشه‌دیده اجتماعی ناشی از مرگ و نبود شخص، توان بخشی و بازیابی روحیه بازماندگان یا گرامی داشت آنان است (مهربانی، ۱۳۹۷). سوگ کنشی در برابر انفعال جبری است که بدعتاً یا تدریجاً روان سوگوار را به رنجش کشانده، هرچند شروع آن ناخواسته است اما تداوم آن در گرو نوع کنش وارد شده و ماندگاری آن به شدت ابتلاء و مصیبت بستگی دارد. واکنش در برابر سوگ می‌تواند عملی، روان‌نژندی و بیماری یا فراموشی باشد. همچنین واکنش عملی در مواجهه با سوگ می‌تواند انتقامی، خودتخریبی، پالایشی و در طولانی مدت عبرت‌آموز باشد. واکنش روان‌نژندی از وابستگی حسی و عاطفی سوگوار با موضوع سوگ نشأت گرفته که شخص سوگوار نمی‌تواند واقعیت پیرامونی را بپذیرد و توان روحی او اجازه عبور و تسکین مصیبت را نمی‌دهد. برخی هم فراموشی را در برابر مصیبت چاره‌جویی می‌کنند که این گروه یا اهل غفلت بوده و یا سکوتشان نشان از شکیبایی آنان است.

آیا گریه با سوگ برابر است؟

مطلق گریه با سوگ برابر نیست چرا که گریه گذرا است اما سوگ پالایش احساسی و اخلاقی را دربردارد و تاثیر سوگ می‌تواند همه عمر سوگوار را دربرگیرد. هر چند ماده اشتراک گریه و سوگ یعنی اشک و حزن یکسان است اما اشک یکی از ابزارهای سوگوار

است.

گریه دارای انواع گوناگونی است: گریه عجز و زبونی، گریه تزویر و دروغ، گریه پشیمانی، گریه شوق، رحم و رأفت، غم و اندوه، گریه فراق، گریه خوف و خشیت و تقوا و درخواست رشد معنوی، گریه شرم و نظایر آن است. برخی معتقدند گریه با اشک تفاوت دارد. دمع و بکاء به جاری شدن چشمه اشک اشاره دارد ولی عَبْرَه به اشک حاصل از سوز درونی و جاری از سینه‌ها اشاره دارد (اجلال، ۱۳۹۳). همچنین اشک شادی یعنی قُرّه العین، خنکی چشم و چشم روشنی نیز بیان شده است. واژه «قر» که مضاعف است به معنای خنکی و سردی است که هنگام شادی و نشاط از دیدگان شخص جاری می‌شود (مهدی، ۱۳۹۷).



شکل ۱: نمودار منشا گریه با دارا بودن سبب؛ منبع: خصائص الحسینیة شیخ جعفر شوشتری

پیشینه سوگ توحیدی

حضرت آدم علیه السلام اولین پیامبر الهی؛ نخستین و قدیمی‌ترین شاخص سنجش در تاریخ‌نگاری رفتاری به شمار می‌رود. قرآن کریم زمینه دسیسه ابلیس برای اخراج او از بهشت را چنین بیان می‌فرماید: «هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى؛ ای آدم آیا (میل داری) تو را بر درخت ابدیت و ملک جاودانی دلالت کنم» (طه/۱۲۰). پس از آن فریب بزرگ، حضرت آدم علیه السلام چهل سال گریه کرد اما گریه اش راه به جایی نبرد. اما وقتی جبرئیل مصیبت کربلا را برای او بیان کرد وی دچار سوگ شد و این سوگ سبب بخشیده شدن حضرت آدم علیه السلام شد. همچنین پیامبران الهی از جبرئیل درباره واقعه کربلا آگاهی یافته و به سوگ نشسته‌اند. دریا زیر کشتی حضرت نوح علیه السلام در سرزمین کربلا طوفان بیشتر دارد؛ اسب حضرت ابراهیم علیه السلام در همین زمین او را به زمین می‌کوبد؛ حضرت موسی علیه السلام در گذر از این دیار بند کفشش باز شده و پاهایش در خارها خونین می‌شود (مجلسی، ۱۳۸۶: ۴۴، ۲۴۵).



در بیان جایگاه گریه اختیاری طبق روایت امام صادق علیه السلام پنج نفر از بکایین عالم عبارتند از: حضرات آدم، یعقوب، یوسف، صدیقه طاهره و سجاد علیه السلام (ابن بابویه، ۱۳۹۰: ۱۴۰). در این جایگاه سوگ متصل به پرودگار بوده و این تکلیف مهمی برای تبلیغ و انتقال پیام است. سوگی که از پیامبران الهی نقل شده پایان خوش داشته اما در مورد حضرات صدیقه طاهره و علی بن الحسین علیه السلام این گونه نبوده و سوگشان نه تنها در تاریخ تبدیل به پژواک و سند تاریخی شده بلکه با خود حرارتی داشته که دل‌های شیفتگان را نیز مبتلا کرده است.



شکل ۲: نمودار منشا گریه بدون دارا بودن سبب؛ منبع: خصائص الحسینیة شیخ جعفر شوشتری (ره)

عوامل سوگ توحیدی

مهم‌ترین عامل در سوگ توحیدی پیوستگی به توحید و اتصال به وحدانیت در مقام سوگواری است. اهمیت واژه توحید در این موضوع به ویژگی فرازمینی و معنوی بر خلاف سوگ اسطوره‌ای اشاره دارد. سوگ‌های زمینی با توجه به علت‌های حزن آلود آن به موضوع اثر پالایشی برای شخص نظر داشته یا تاثیر احساسی آن را در برمی‌گیرد. اما سوگ توحیدی بیانگر مساله دار بودن و دارای غایت بودن این سوگ است. همچنین در روش مندی سوگ توحیدی شخص هرگز از آداب و احکام الهی سوگ خارج نشده و به افراط کشیده نمی‌شود.

جزع سوگ مقبوض است و در مقابل صبر به عنوان عاملی پسندیده بیان شده است. چنانکه خداوند در سوره معارج (۱۹-۲۱) به مذمت جزع می‌پردازد: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا». سوگ با بی‌تابی و لطمه و جامه دریدن در روایات عامل غفلت نامیده شده و نهی گشته است. از این رو سوگ توحیدی با اتصال به منشاء الهی خدشه‌دار نمی‌گردد. عوامل سوگ غیر توحیدی عبارتند از: غفلت



از آغاز و انجام کار انسان، گستاخی و عصیانگری در برابر اراده خدا، از دست دادن امید و نشاط زندگی (اکبر نژاد، ۱۳۹۴).

سوگ توحیدی دارای عوامل فعالی است که در مقاطع زمانی خود نقش آفرینی کرده و به نوعی تکلیف گرا است. چنان که در روایت امام صادق علیه السلام آمده است: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْمِيثَمِيِّ عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الصَّبْرَ وَالبَلَاءَ يَسْتَبْقَانِ إِلَى الْمُؤْمِنِ فَيَأْتِيهِ البَلَاءُ وَهُوَ صَبُورٌ وَإِنَّ الجَزَعَ وَالبَلَاءَ يَسْتَبْقَانِ إِلَى الكَافِرِ فَيَأْتِيهِ البَلَاءُ وَهُوَ جَزُوعٌ؛ صبر و بلا در رسیدن به مومن با هم مسابقه می دهند، اما زمانی که بلا به او می رسد، مومن را با صبر و بردباری می یابد و جزع و بلا در رسیدن به کافر مسابقه می دهند، اما زمانی که بلا می رسد، او را با جزع و بی تاب می یابد (کلینی، ۱۳۹۳: ۲۲۳/۳). همان طور که نهی از جزع و سوگ غیر توحیدی بیان شده از طرفی سفارش به سوگ توحیدی در جایگاه اهمیت قرار گرفته است. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْحَطَّابِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سَمَاعَةَ الْخُزَاعِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ تَذَرُونَ مَا قَوْلُهُ تَعَالَى وَ لَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قُلْتُ لَا قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لِفَاطِمَةَ ع إِذَا أَنَا مِتُّ فَلَا تَحْمِشِي عَلَيَّ وَجْهًا وَ لَا تَنْشُرِي عَلَيَّ شَعْرًا وَ لَا تُنَادِي بِالْوَيْلِ وَ لَا تُقِيمِي عَلَيَّ نَائِحَةً قَالَ ثُمَّ قَالَ هَذَا الْمَعْرُوفُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ مقدم نقل می کند که از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: می دانید که منظور خدا از آیه «و زنان از تو در هیچ کار نیکی سرپیچی نکنند» چیست؟ گفتم: نه! فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: دخترم وقتی که من رحلت نمودم، چنگ به صورتت نزن و موهایت را به خاطر من، پریشان نساز و صدایت را به او ایلا بلند نکن و مجلس نوحه برایم برپا کن، سپس امام علیه السلام فرمود: این همان معروفی است که خدای متعال فرموده است (کلینی، ۱۳۹۳: ۵۲۷/۷).

سوگواری ادیان

اصل توحید، ایمان و ربوبیت الهی، متوقف بر وساطت عقل و فهم عقلانی است. از نظر حکیم ملاً صدرا، ماهیات و لوازم آنها مجعول بالعرض هستند و نقصان و انیت

رابطه تنگاتنگی با ماهیات و چیستی‌ها دارند (جلالی، ۱۳۷۸). گویی ادیان و تفکرات غیر توحیدی قائل به اصالت به ماهیت فلسفی بوده که نقش پررنگی در بروز مظاهر دینی و تجلیات شریعت و احکام دارند و از اصل منشأ توحیدی و اصالت وجود در هستی دور شده‌اند. از این رو در دو بعد ادیان توحیدی و غیر توحیدی تظاهرات مختلفی به عنوان مناسک، آیین و یا سوگواری در موضوعات مختلفی وجود دارد. ادیان غیر توحیدی (شرک آلود) با تکیه بر توهم و تخیل به ساخت و پرداخت مناسکی برای افکار و عقاید خود رونق داده تا از این طرفه سودی عاید مطامع دنیوی‌شان شود. در ادیان غیر توحیدی سوگ مسیری منفعت طلبانه دارد به طوری که در کسب حوائج مانند وسیله‌ای برای تقرب به رب پوشالی مورد نظر است. در این ادیان داستان‌سرایی و غبار تاریخی از شخصیت‌ها اساطیری می‌سازد که اینها هر بار با تحریک عواطف به بازسازی و جبران خلل‌های دینی و اعتقادی خود پرداخته و در جای حقیقت توحیدی می‌نشینند. صاحبان و کاسبان ادیان غیر توحیدی اسراری برای مانایی منافع خود دارند و یکی از آنها روایت تاریخی از اشخاصی فراتر از انسانی است که قدرت‌های غیر واقعی دارند. اسطوره‌کارکرد حفظ جذبه دینی برای اینان داشته و موبدان و بزرگان دینی در نقصان عقل و وحی و اخلاق در دین خود به تاریخ‌سازی افسانه‌ای رو می‌آورند.

سوگ در نظر برخی از ادیان توحیدی هم جنبه درونی و هم جنبه بیرونی دارد. مسیحیان همواره طبق عقاید تاریخی خود سوگوار مسیح علیه السلام مصلوب و شکنجه‌های او تا تپه جلجتا هستند و در این سوگواری غیر از حزن خود به صورت نمادین، سوگ خود را تبدیل به آیینی هر ساله برای همدردی با مسیح علیه السلام کرده‌اند. در سوگ مسیح علیه السلام، برخی برای او و برخی برای مریم مقدس علیه السلام به سوگواری پرداخته و ابراز همدردی می‌کنند. به هر روی برای یک مسیحی، تجسم مصائب پیامبرش با نقاشی، هنرهای تجسمی و نمایش قابل لمس بوده و حس همذات‌پنداری دینی برقرار می‌کند.



شکل ۳: تصویر پرستش موش، معبد کارنی ماتای هند

تکرار پذیری سوگ توحیدی

تکرار پذیری سوگ بستگی به شدت اثربخشی به پیروان دینی خود را دارد. اینکه موضوعی همه ساله در کل جامعه توحیدی تظاهرات دینی شود، جای تامل دارد. اثر دهی سوگ بر مبنای احساس است و در این تکرار پذیری نوع اثرگذاری اهمیت دارد. بیشترین اثرگذاری‌ها به مرگ تحمیلی یا مصائبی از این دست برمی‌گردد لکن این موضوعات هم تاریخ مصرف داشته و نمی‌تواند کارکردی دائمی داشته باشد. یکی از نمونه‌های ماندگار تکرار پذیری سوگ؛ واقعه کربلاست که هر ساله روایت آن در ایامی خاص موجب گسترش سوگ در کل جامعه اسلامی شده و دینداران، خود را موظف در برپایی و حضور در این سوگ می‌دانند. این تکرار پذیری نه اینکه از جانب متولیان دینی تبلیغ و ترویج شود بلکه عموم مردم، شرکت در برپایی و حضور در این مجالس را وظیفه اصلی خود می‌دانند و نه تنها در محرم و صفر برای یک بار در سال بلکه برخی از شیعیان با تشکیل مجالس هفتگی، این سوگ را تکرار می‌کنند. اما تکرار پذیری سوگ امام حسین علیه السلام این چنین هم پایان نیافته و توسط امام عصر علیه السلام ادامه دارد. قال الامام المهدي في زياره ناحيه المقدسه: لَأَنْدَبَنَّكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً وَالْأَبْكِينَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمَا؛ امام مهدی علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه: هر صبح و شام بر تو گریه و شیون می‌کنم و در مصیبت تو به جای اشک، خون می‌گیرم (مجلسی، ۱۳۸۶: ۲۳۸/۱۰۱).

محتوای سوگ توحیدی و تأثیرات آن

مساله اصلی در سوگ برانگیختن احساس است اما در سوگ توحیدی احساس، مقدمه تعقل است و اگر سوگ دارای محتوای غنی نباشد تکرارپذیر نیست. تنهایی، تشنگی، نوع شهادت خود، فرزندان، یاران، اسارت خانواده و نظایر این موضوعات درست است که گدازندگی سوگ را دربرمی گیرد اما همه اینها مساله نیست. تاثیرپذیری از سوگ فقط محدود به حزن و گریه نمی شود و حتی می تواند در حفظ و تداوم دین اسلام کمک کند. جمله مشهور: الاسلام محمدی الوجود و حسینی البقاء (المزیدی، ۲۰۲۳: ۳) نشان از استمرار بر محتوای حسینی دارد. زنده بودن نهضت عاشورا در دو بعد عقل و احساس باعث شده سوگ، جریان محرک شهادت پذیری شیعیان باشد و همواره شعار هِيَهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ را در متن سنت سوگواری خو تکرار نمایند.

زیبایی شناسی سوگ توحیدی

زیبایی شناسی از معارف حسی است که راه به معنای متعالی و لذت جویی معنوی دارد و تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. فارابی در کتاب المدینه الفاضله در بحث زیبایی شناسی اسماء و صفات خداوند معتقد است زیبایی هر چیز جنبه معرفتی اوست و هر قدر موجودی به کمال نهایی خود نزدیک تر شود، زیباتر است و خداوند در اعلاى مرتبه هستی زیبایی مطلق است و زیبایی او از ذات خودش سرچشمه گرفته و عارضی و زایل شدنی نیست (صفار دستگردی، ۱۳۸۷). بین دو واژه سوگ و زیبایی شناسی شاید در ظاهر پارادوکس وجود داشته باشد چرا که زیبایی تجلی صفات و اسماء الهی است و در طرف دیگر حزن امری عرضی است اما سوگ توحیدی گویی برای فقدان همان تجلی صفات و اسماء الهی به وجود آمده هرچند سرور و حزن نقص در صفات الهی است با این وجود کلمه رضایت مفهوم جامع تری را دربرمی گیرد. چنانکه در قرآن کریم واژه رضایت چنین آمده: لَّهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (مائده/۱۱۹). تراضی بین خالق و مخلوق جمع مساله صفات و حزن و سوگ است. مستند به این مطلب، یافتن زیبایی

در نهایت سختی و منتهای شدائد و در لحاظ آخر روز عاشورا در مناجات امام حسین علیه السلام است که حضرت چنین می‌فرماید: الهی رِضاً بِقَضَائِكَ وَ تَسْلِيماً لِأَمْرِكَ وَلَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ (الموسوی المقتزم، ۱۹۷۰: ۳۶۷). این زیبایی از زبان کسی است که هم خود در آن لحظه حزین است و هم سوگوار شهدا و اهل خیمه و اهل بیت خود است اما همه واقعه عاشورا را در کمال رضایت می‌بیند.

نتیجه

سوگواری را می‌توان مفهومی تشکیکی خواند که محتوایی حسی با جنس واحد دارد اما تأثیرات و همذات‌پنداری متفاوتی را در خود جای داده است. محتوای سوگ می‌تواند چنان باشد که حرارت قلوب مومنین را تا قیامت برافروخته باشد. زیبایی‌شناسی سوگ توحیدی در نظام سنت‌های دینی قوام یافته و تازگی و استمرار آن همواره مورد توجه قرار گرفته است. طبق تاریخ‌نگاری پیامبران کهن‌ترین و ماندگارترین سوگ تا روز داوری؛ سوگ بر عزای امام حسین علیه السلام است که در زیبایی به مقام رضایت توجه دارد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۰)، امالی شیخ صدوق، کتابچی، تهران.
- اجلال، زهرا (۱۳۹۳)، «فرق کیان دماء و بکاء در چیست؟»، بخش اخلاق و عرفان اسلامی تبیان، <https://article.tebyan.net>
- اکبر نژاد، محمد تقی (۱۳۹۴)، درس خازج استاد اکبر نژاد با موضوع «جزع؛ معیار و مصادیق آن» با رویکردی آسیب‌شناسانه، <https://feghahat.com/>
- جلالی، غلامرضا (۱۳۷۸)، «فلسفه دین در منظر صدرالدین»، مجله حوزه، مرداد و شهریور، شماره ۹۳.
- شوشتری، جعفر (۱۳۹۴)، ترجمه خصائص الحسینیه، تهران، سازمان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح انتشارات دفاع.

- فروغی، اصغر (۱۳۸۲)، «کارکرد مراسم سوگواری عاشورا در رسمی شدن مذهب شیعه در زمان صفویه»، دوره ۲۲، شماره ۴.
- الموسوی المقرّم، سید عبد الرزاق (۱۹۷۰)، مقتل الحسين عليه السلام، تهران، دراسات الاسلامیه.
- صفار دستگردی، مهدی (۱۳۷۸)، زیباشناسی در اسلام، <https://noo.rs/rDjQP>
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳)، اصول کافی، تهران، دارالثقلین.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۶)، بحار الانوار، تهران، اسلامیه.
- مزیدی، مصطفی (۲۰۲۳)، الاسلام محمدی الوجود حسینی البقاء، شبکه الإمامین الحسنین الثقافیة
- مهربانی، امین (۱۳۹۷)، «سوگواری»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی